

مهدی موعود

دوازدهمین جانشین پیغمبر اسلام است

از آنچه در شماره‌های پیش‌خاطر نشان ساختیم ، این موضوع روشن شد که اعتقاد شیعیان در خصوص وجود مقدس مهدی موعود اسلام و تعیین وی در شخص **حجت‌ابن‌الحسن العسکری** (ع) و انتظار ظهور آنحضرت ، چیزی نیست که در تاریخ شیعه تازگی داشته باشد . اعتقاد راسخ شیعه در این خصوص بر اساس يك سلسله ادله عقلی و مدارك نقلی استوار است که ملاحظه آنها جای شك و شبهه برای کسی نمی‌گذارد . ادله عقلی را موکول باینده و موقع مناسب نموده ، و چون در این مقاله از نظر نقلی بحث میشود میگوئیم : انبوه روایاتی که شیعه و سنی از حضرت رسول اکرم (ص) راجع باین موضوع در منابع معتبر و پرارزش خود از همان قرون اولیه اسلامی آورده‌اند ، همه‌مبین يك حقیقت است و آن اینکه **مهدی موعود اسلام** که جهان در انتظار اوست ، دوازدهمین جانشین شایسته پیغمبر اسلام و امام غائب شیعیان جهان است .

روی سخن ما در اینجا بامسلمانان و کسانی است که هنگام بحث از **مهدی موعود** ، به کتابهای اسلامی ، خاصه مدارك شیعه استناد می‌جویند ، و به رد و قبول آن می‌پردازند .

موعود اسلام جانشین دوازدهم پیغمبر است

میدانیم که عمده فرق اسلامی امروز چهار فرقه هستند: سنی ، شیعه دوازده امامی ، اسماعیلی ، وزیدی . وهم اطلاع داریم که یکی از موارد اختلاف این فرقه‌ها موضوع جانشینی پیغمبر اکرم (ص) و تعداد جانشینان آنحضرت است .

اهل تسنن معتقدند که خلفای پیغمبر (ص) چهار نفر میباشند ، شیعیان زیدی و اسماعیلی هم به ترتیب چهار امامی و شش امامی هستند . ولی شیعه امامیه باستناد روایات «متواتر» و معتبری که در کتب فریقین موجود است ، جانشینان حقیقی پیغمبر اسلام (ص) را دوازده تن میدانند که همگی از قریش و بنی‌هاشم و خاندان پیغمبرند ، و آخرین آنها **مهدی موعود** است .

برای روشن شدن مطلب میگوئیم : یکی از دلایل پرارزش شیعه در این باره ، روایات کثیری است که در مدارک ذیقیمت شیعه و اهل تسنن آمده و هر چند اهل سنت در حل آن دچار اشکال شده و سرگردان مانده اند ، ولی از نظر شیعه روشن و اشکالی ندارد .

توجه باین موضوع نه تنها ما را باین حقیقت واقف می سازد که جانشینان شایسته پیغمبر (ص) چند نفر و از چه خاندانی می باشند ، و چه اوصافی دارند ، بلکه باین واقعیت نیز آگاه میکند که مصداق این روایات ، فقط و فقط ائمه طاهرين شیعه و امامان اهل بیت میباشد ، و جز آنان بر هیچکس منطبق نخواهد بود .

امامان عالی مقامی که هر کدام در عصر خویش سنگین ترین و زنه فضیلت و تقوی بودند و از لحاظ علم و دانش ، حزم و تدبیر ، و توجه بحفظ اسلام و قرآن و دستگیری مسلمانان نظیر نداشتند هر چند آنها را از تصدی حکومت ظاهری بر مسلمانان منع کردند و حق مسلم آنها را نادیده گرفتند .

بررسی يك سند تاریخی

موضوعی که هم اکنون در صدد تحقیق و بررسی آن هستیم ، روایتی است که چند تن از صحابه پیغمبر (ص) با جزئی اختلافی در عبارت نقل کرده اند . روایت اینست که پیغمبر (ص) میفرماید : **الخلفاء بعدی اثني عشر کلمهم من قریش یعنی : جانشینان بعد از من دوازده نفر میباشند ، و همه از قریش هستند .**

این روایت در معتبرترین مدارک اهل تسنن یعنی «صحیح بخاری» جلد چهارم کتاب الاحکام ، صحیح مسلم (کتاب الاماره جلد ۲) ، صحیح ترمذی (جلد ۲ باب ما جاء فی الخلفاء) صحیح ابوداود (کتاب المهدی) و مسند احمد حنبل (جزء پنجم) و غیر آنها بطرق مختلف از «جابر بن سمره بن جناد» و «عبدالله بن مسعود» و دیگران نقل شده است .

همچنین در منابع پرارزش شیعه مانند غیبت نعمانی ، غیبت شیخ طوسی ، کمال الدین ، و خصال شیخ صدوق و غیره با اسناد گوناگون از همین دو نفر آمده است .

پیشوای محدثین اهل سنت «احمد حنبل» در «المسند» با ۳۲ سند نقل کرده که «جابر بن سمره» روایت مزبور را از پیغمبر اکرم (ص) شنیده است و نیز شیخ سلیمان حنفی در «ینابیع الموده» مینویسد : یحیی بن حسن در کتاب «العمده» با ۲۰ سند روایت نموده که «جانشینان بعد از پیغمبر (ص) دوازده تن میباشند و همگی از قریش هستند» سپس میگوید : این حدیث در صحیح بخاری با ۳ طریق ، و در صحیح مسلم با ۹ طریق و در صحیح ابوداود با طریق و در صحیح ترمذی با یک طریق و در «جمع بین الصحیحین» حمیدی با ۳ طریق نقل شده است (۳) .

درو خصال، شیخ صدوق متوفای سال ۳۸۱ هجری رئیس محدثان شیعه نیز با ۲۷ طریق از جابر بن سمره و عبدالله مسعود روایت شده، باین شرح که ۱۹ سند آن به جابر و ۸ سند به عبدالله مسعود منتهی میگردد .

در هشت روایت «عبدالله مسعود» میگوید پیغمبر فرمود: جانشینان بعد از من دوازده تن و همگی از قریش میباشند بعدد نقبای بنی اسرائیل ولی در روایات جابر از دوازده جانشین، و دوازده امیر، و دوازده فرده که بعد از پیغمبر خواهند آمد، و بر مسلمانان ولایت خواهند داشت و عزت اسلام بسته بوجود آنهاست، سخن بمیان آمده است .

در چهار روایت جابر نیز مانند عبدالله مسعود میگوید: پیغمبر فرمود: همگی از قریش هستند، ولی در بقیه میگوید بر اثر ازدحام جمعیت جمله آخر سخن پیغمبر را نشنیدم و از پدرم که بامن بود پرسیدم پیغمبر بعد از آنکه فرمود: دوازده جانشین بعد از من خواهد بود چه گفت؟ پدرم گفت: فرمود: و همگی آنها از قریش هستند.

نظری بمضمون این روایات

اکنون یکی دوروایت مزبور را عیناً نقل میکنیم و سپس با آنچه در این خصوص صریحتر روایت شده است مقایسه نموده و از آن پس قضاوت را بعهده اهل انصاف و امیکنداریم:

صحیح بخاری: جابر بن سمره میگوید پیغمبر فرمود: بعد از من دوازده امیر خواهند بود. سپس سخنی فرمود که من نشنیدم از پدرم پرسیدم گفت پیغمبر فرمود: همگی آنها از قریش میباشند.

صحیح مسلم: جابر بن سمره میگوید شنیدم پیغمبر فرمود: کار امت اسلام پایان نمیرسد مگر اینکه دوازده جانشین من در میان آنها بگذرند، سپس پیغمبر سخنی گفت که نشنیدم. از پدرم پرسیدم گفت پیغمبر فرمود: همه آنها از قریش هستند .

تیسیر الوصول الی جامع الاصول: جابر بن سمره گفت: پیغمبر فرمود: پیوسته این دین عزیز و پایدار است تا آنکه دوازده نفر بیایند که همگی از قریش میباشند.

خصال صدوق: جابر بن سمره روایت میکند که نزد پیغمبر (ص) بودم فرمود دوازده تن به جانیشینی من میرسند مردم فریاد بر آوردند. نفهمیدم پیغمبر دیگر چه گفت. از پدرم که نزدیکه آنحضرت بود پرسیدم چه فرمود؟ گفت فرمود: و کلهم من قریش و کلهم لایری مثله، یعنی همگی آنها از قریش میباشند و مانند هیچیکه آنها دیده نخواهد شد ۱۱

خواننده عزیز! درست در این چند روایت که نمونه ای از روایات بسیاری است که با این مضمون وارد شده است دقت کنید و بعد با کمال انصاف و بی طرفی قضاوت نمائید و به بینید

آیا این « دوازده امیر » و « دوازده جانشین پیغمبر » که « عزت دین اسلام بوجود آنها بستگی دارد » و « بوجود آنها پایه دارمی ماند » و « همگی از قریش هستند و مانند آنها دیده نمیشود » کیستند ؟ بنظر شیعه دوازده نفر مذکور در این روایت که دانشمندان اهل تسنن را حیران نموده و نتوانسته اند مصداق درستی برای آن پیدا کنند، فقط و فقط ائمه طاهرین شیعه هستند که از امیر مؤمنان (ع) شروع و به « مهدی موعود » پیشوایان شایسته اسلام خاتمه می یابد، و بهیچوجه بر غیر اینان قابل تطبیق نیست. این موضوع در سایر مدارک شیعه صریحتر بیان شده است.

در کتاب « کفایة الاثر » خز از رازی از سلمان فارسی روایت میکند که پیغمبر فرمود : ائمه بعد از من دوازده تن میباشند بعدد ماه های سال ، و مهدی این امت از ماست که دارای هیبت موسی و نورانیت عیسی و حکومت داود و صبر ایوب است.

و در همین کتاب ضمن نقل احادیث بسیاری بضمون سابق از جمله روایت میکند که گفتند : یارسول الله ! پیشوایان بعد از شما چند نفر هستند؟ فرمود : دوازده نفر بعدد نقبای بنی اسرائیل ، مهدی این امت نیز از ماست که خداوند زمین را بوسیله او بر از عدل و داد میکند بعد از آنکه بر از ظلم و ستم شده باشد .

آنجا که پای تعصب بمیان می آید !

« سیوطی » دانشمند مشهور اهل تسنن در کتاب « تاریخ الخلفاء » فصل سوم بعد از نقل روایت مزبور و تجزیه و تحلیل آن از ابن حجر عسقلانی نقل میکند که در « شرح صحیح بخاری » گفته است : دوازده جانشین پیغمبر که در این روایات آمده است : ابوبکر ، عمر ، عثمان ، علی معاویه ، یزید بن معاویه ، عبدالملک مروان و چهار پسر او ولید ، سلیمان و یزید ، هشام ، و ولید بن یزید بن عبدالملک میباشد ۱۱

علت این توجیه نادرست که ابن حجر نموده یک قسمت روایت مزبور است که فقط در یک سند « ابوداود » آمده و میگوید « کلهم یجمع علیه الناس » همه مردم بر آنها اجماع دارند، و حال آنکه در بقیه اسناد روایت که بالغ بر شصت سند است چنین چیزی نیست ، و قطعاً این جمله مبهم و نامفهوم ساخته راویانی بوده که خواسته اند خلافت خلفای خود را بدینگونه تصحیح کنند و گر نه همین جمله نیز بر بسیاری از آنها مطابقت ندارد .

جالب تر اینکه ابن حجر چند سطر بعد از آن میگوید : بعضی از علما گفته اند که مقصود از این روایت اینست که در تمام دوران دین اسلام تا پایان جهان دوازده تن جانشین پیغمبر خواهد بود هر چند باهم فاصله داشته باشند . دلیل بر این روایتی است که « مسدد » در « مسند کبیر » از ابی الخلد « آورده که پیغمبر فرمود این امت از میان نمیرود تا اینکه دوازده خلیفه از آنها بیایند که همگی بر او راست و دین حق عمل کنند و دو نفر آنها اهل بیت محمد میباشند .

« سیوطی » بعد از نقل این قسمت از ابن حجر میگوید: « بنا بر این روایت، منظور از دوازده خلیفه، خلفای راشدین و حسن بن علی، معاویه، عبدالله زبیر، عمر بن عبدالعزیز میباشند، این هشت نفر، احتمال دارد که دو تن از خلفای بنی عباس هم با آنها افزوده شوند و اینان مهدی و ظاهر هستند. دو نفر دیگر باقی میماند که باید در انتظار آنها بود، یکی از آنها « مهدی » است که از خاندان پیغمبر است. »

درست در این جملات دقت کنید و به بینید چگونه وقتی انسان از راه راست منحرف میشود، به سنگلاخ میافتد؛ یکی از میان خلفای بنی امیه بمیل خود عده ای را کنار گذاشته و عده ای را انتخاب کرده و بجهار خلیفه اول میافزاید تا دوازده خلیفه درست شود؛ آنها هم افراد جنایت کار و رسوا آلوده و بی ایمانی امثال معاویه و یزید و ولید و یزید بن عبدالملک که پرونده سیاه آنان تاریخ اسلام را شرمنده و لکه دار نموده است.

و دیگری که متوجه این اشتباه شده است، با اصلاح آن پرداخته و خود نهم تازه ای بر آن افزوده است؛ در حقیقت خواسته قسمتی را اصلاح کند ولی قسمت دیگری را ضایع کرده است. زیر امی بینید که « سیوطی » این دوازده خلیفه را از بین خلفای سه گانه و اهل بیت و آل زبیر و بنی امیه و بنی عباس انتخاب کرده که بنظر وی نسبت به خلفای برگزیده « ابن حجر » اعتبار و آبرویی داشته اند و تازه دوازده خلیفه هم کامل نشده و معلوم نیست که یک نفر دیگر را از کجا باید آورد؟! در خاتمه این بحث سخن دانشمند محقق معاصر سنی « محمود ابوریه » را در کتاب « اضاء علی السنة المحمدية » می آوریم که هر چند خود وی نیز نتوانسته است چنانکه می باید منظور را دریابد، ولی در آنجا که از روایت مورد بحث سخن بمیان می آورد؛ میگوید: « سیوطی » در این جا نظر عجیبی دارد، که برای تفریح و خندیدن خوانندگان می آوریم، زیرا وی یازده خلیفه را درست کرده ولی معلوم نکرده است که دوازده می کیست!

(بقیه از صفحه ۲۰) روشنتر بگوئیم، نگهداری مستعمرات طبق اصول قدیمی با بیداری نسبی آنها نه امکان پذیر است نه مقرون بصرفه، پس چه بهتر که با اعطای آزادیهای صوری و نیم بند و استفاده از قدرتهای محلی بجای آوردن نیروی نظامی از خارج هدفهای اقتصادی که مقصود اصلی است تعقیب گردد. این نوع استعمار که آنرا در اصطلاح جامعه شناسی امروز « استعمار غیر مستقیم » مینامند برای امروز بسیار مناسبتر میباشد.

یکی از مقامات حساس بعضی از دول بزرگ غرب اخیراً گفته بود: « نگاهداشتن يك سر باز در خارج برای ما ۸ برابر استخدام يك سر باز محلی خرج دارد ما ترجیح میدهیم بجای يك سر باز در مناطق نفوذ خود ۸ سر باز داشته باشیم. »

بهمین دلیل مشاهده میکنیم مثلاً غالب کشورهای آزاد شده آفریقا علاوه بر اینکه از نظر اقتصادی هنوز کاملاً بصورت مستعمره بسر میبرند، میدان جنگها و کشمکشها و رقابتهای خطرناک دول بزرگ هستند و روی آرامش را بخود نمی بینند (در این زمینه سخن بسیار است که شاید در فرصت دیگری بآن بپردازیم).